

## آرمان شهر اسلامی از منظر امام رضا(ع)

مصطفی اسفندیاری (فقیه)<sup>۱</sup> - مصطفی مهدوی آرا<sup>۲</sup> - علی رضا نادریان لایین<sup>۳</sup> - صدیقه

یوسفی چوبینی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۹

### چکیده

توجه به کلام و تاثیر آن بر مخاطب از اصلی ترین ویژگی های سیره امامان معصوم<sup>(ع)</sup> است. کلام در لایه های عمیق ذهن و قلب افراد رسوخ می کند و رفیق همیشگی زندگی وی می گردد. بهترین شاهد مثال بر این گفته معجزه پایه گذار مکتب اسلام یعنی قرآن است که از جنس کلام است. در بیشتر سخنان و نصایح امام رضا<sup>(ع)</sup> رد پای اصول اخلاقی و آموزه های قرآنی به صورت مستقیم و غیر مستقیم دیده می شود؛ سخنانی در اوج معانی علمی، ادبی و اخلاقی متناسب با نیازهای روز جامعه.

باسیری در حیات فکری امام رضا<sup>(ع)</sup> مشخص می شود، ایشان برای هدایت انسان به سعادت حقیقی یا همان آرمان شهر حقیقی بشری تلاش بسیاری به کار بسته اند و زمانی که غرب در قرون وسطی سیر قهقرایی انحطاط فرهنگی را پشت سر می گذاشت و دایم حلقه محاصره فرهنگ و اندیشه آنان تنگ تر می گشت، اندیشه اسلامی و فرهنگ متمدنی رضوی با تبلیغ و ترویج آزادگی فکری در پی بنیان نهادن آرمان شهری آرمانی بود و اندیشه ها و ارزش های اخلاقی قدرتمندی به جا گذاشت و در صدد پی ریزی پایه های تمدنی اسلامی، انسانی در حوزه های مختلف فرهنگی، عاطفی بوده است. در حیطه بررسی آرمان شهر اسلامی، انسانی بر اساس بیانات امام رضا<sup>(ع)</sup>، ابتدا دیدگاه امام<sup>(ع)</sup> درباره مبادی آرمان شهر آرمانی مطلوب جامعه انسانی را بر می شماریم، سپس مفهوم آرمان شهر دینی از دیدگاه امام<sup>(ع)</sup> را بیان می کنیم. این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای نگارش یافته و نمونه هایی از دیدگاه های امام<sup>(ع)</sup> نیز درباره با اصول بنیادی اخلاقی و انسانی بررسی شده است.

واژه های کلیدی:

امام رضا(ع)، آرمان شهر، اصول اخلاقی، مباحث انسانی

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی: Rahigh504@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری: m.mahdavi@hsu.ac.ir

۳. مدرس گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور واحد مشهد ( نویسنده مسئول ): alirezabelajavadk@yahoo.com

۴. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه قم: s.chaabini@yahoo.com

## مقدمه

آرمان شهر یا همان شهر آرزوها یا «utopia» از دیرینه‌ترین عصر زندگی بشر بر روی این کره خاکی مطرح بوده و حتی می‌توانیم ادعا کنیم این مقوله عمری به درازای تمدن بشری دارد. یکی از اشتراکات موجود بین تمام فرهنگ‌ها و ملت‌ها نیز همین مسئله شهر آرمانی بوده است و در گذر تاریخ، انسان‌ها برای دست‌یابی به این خواسته مهم متحمل سختی و دشواری‌های فراوانی شده‌اند. در کتاب‌های مختلف تاریخی و حتی ادبی نیز طرح این موضوع بسیار به چشم می‌خورد؛ از جمله داستان حرکت سی مرغ برای رسیدن به سیمرغ که به نوعی نمادی از آرمان شهر است و عطار آن را به زبانی بسیار زیبا و خوش فهم در قالب داستان بیان می‌کند. بحث آرمان شهر در قالب اسطوره نیز خودنمایی کرده است و این اهمیت بسیار زیاد این مطلب را می‌رساند، چرا که اسطوره شامل مواردی می‌شود که رویای جامعه بشری باشد.

در زمینه آرمان شهر و آرمان‌گرایی، که در دوران گذشته ادبیات عربی و فارسی، پژوهش‌های گوناگونی به دست علما، فلاسفه و ادبا صورت گرفته است و از زمان افلاطون و عالم مثل افلاطونی تا شیخ اشراق و طرح پایه‌گذاری مدینه فاضله و در این حیطه روز به روز نظریه‌پردازی‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده و مورد پژوهش قرار می‌گرفته است. در تعریفی ساده و جامع می‌توان این‌گونه بیان کرد که آرمان‌شهر نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست‌نیافتنی باشد. بحث از آرمان، آرزو، ایده آل و آرمان‌گرایی می‌تواند در بسترهای مختلف، مورد گفت و گو قرار گیرد؛ در حوزه‌هایی مانند: سیاست، اجتماع، اقتصاد، معرفت‌شناسی و حتی روان‌شناسی، روانکاوی و ... که هر

یک از این موارد در جامعه آرمانی مورد بحث جایگاه ویژه ای دارند. تردیدی نیست که از پیشگامان و طراحان اصلی آرمان شهرها، پیامبران و جانشینان شان بوده‌اند؛ زیرا انسان و راه‌های تکامل فردی و اجتماعی وی را نیکو می‌شناخته‌اند. این بزرگان از موانع راه انسان شناخت عمیقی داشتند و اصول و معیارهای سامان‌یابی حیات فردی و گروهی را نیز به درستی از آموزه‌های وحی در می‌یافتند. از این رو، پیامبران و رهبران الهی، بهترین و واقع بینانه‌ترین طراحان انسان آرمانی و آرمان شهر انسانی هستند و برنامه‌ها و راهکارهای آنان، براساس شناخت درست از کیان و موجودیت ابعاد انسان است. این ویژگی در طرح و برنامه‌های دیگر مکاتب اجتماعی، انسانی دیده نمی‌شود. بیشتر متفکرانی که از آموزه‌های وحی دور ماندند به انسان تک ساحتی و یک بعدی اندیشیدند و یا تنها به بعدی از زندگی او نگریدند و دیگر ابعاد را نادیده گرفتند. این نوع دیدگاه‌ها بیانگر نبود شناخت جامع از حیات انسانی است و در طرح‌های آرمانی پیامبران دیده نمی‌شود. در این زمینه سوالاتی مطرح می‌شود که این مقاله در پی بررسی و پاسخ‌گویی به آن‌هاست، از جمله:

آرمان شهر چیست و آرمان شهر رضوی چگونه معنا پیدا می‌کند؟

آرمان شهر رضوی چه ویژگی‌هایی دارد و چه شاخص‌های اجتماعی متمایزی در آن مطرح است؟

جایگاه ارزش‌های اجتماعی در آرمان شهر رضوی چگونه است؟

میانی جامعه مطلوب از منظر امام رضا(ع)<sup>۱</sup> چه شاخص‌هایی را شامل می‌شود؟

سرچشمه اصول بنیادی و حاکم بر آرمان شهر رضوی کجاست؟

جایگاه تعالیم اسلامی و دینی در آرمان شهر رضوی چگونه تعریف می‌شود؟

وقتی در حیطه مباحث اجتماعی واژه آرمان را به کار می‌بریم، آرزوهای بزرگ

را مد نظر داریم. همان خواسته‌هایی که در مسیر کمال به دست می‌آیند. بنابراین آرمان شهر یعنی محل تحقق تمام آرزوها و امیدهای بندگان و جان پناه تمام و کمال خستگی‌های بشری که در چنگال ظلم و استبداد و استثمار اسیر بوده است. به زبانی ساده‌تر تعریف آن شامل مکانی می‌شود که در آن هیچ خبری از ظلم و بی‌عدالتی نیست. درباره آرمان شهر رضوی باید گفت مکانی است که در آن ارزش‌های مکتب اسلام تبلور یابد و فرامین رسول خدا<sup>(ص)</sup> و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> در آن به عینه خود را نشان دهد و در نهایت خواسته‌های آنان در تمامی ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ساکنین این شهر مقدس حاکم باشد؛ چرا که این شهر منسوب به امامی است که تمامی ویژگی‌های انبیا و ائمه<sup>(ع)</sup> را دارد و او امام معصوم است. شهری که به نام او مزین است باید عاری از هرگونه زشتی و تجلی‌گاه همه خوبی‌ها باشد. البته تمام اصول بنیادی و اساسی آن در حقیقت برگرفته از تعالیم قرآن است؛ چرا که این بزرگان همه تعلیم یافته مکتب وحی و کلام الله یا همان قرآن هستند. بنابراین این مقوله از شاخص‌های بارز این شهر است. برای تبیین موضوع به بررسی انسان آرمانی و آرمان شهر انسانی در اندیشه‌های الهی امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌پردازیم و کوتاه و فشرده چند محور از معیارهای آرمان شهر رضوی را واکاوی می‌کنیم.

### پیشینه تحقیق

فرهنگ اسلامی و دینی بدون شک برگرفته از تعالیم و حیانی است که سرسلسله آن رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و ائمه اهل بیت<sup>(ع)</sup> هستند. بنابراین طبیعی می‌نماید که در این زمینه پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی صورت گرفته باشد، اما درباره با چهارچوب مورد بحث مقاله حاضر یا همان آرمان شهر رضوی تاکنون

پژوهش مستقلی انجام نشده است، هر چند درباره امام رضا(ع) و زندگی پربرکت ایشان مقالات و پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است از جمله مقالات گردآوری و چاپ شده در کنگره ملی امام رضا(ع) یا کتاب‌هایی مختلفی چون «سیرة الامام الرضا(ع)» تألیف حسین الشاکری یا کتاب «پیشوای هشتم حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع)» یا «الامام الرضا(ع) قدوة و أسوة» و کتاب‌هایی از این قبیل که با جست و جو در منابع کتابخانه‌ای فهرست کاملی از این منابع می‌توان جمع‌آوری کرد. درباره موضوع این مقاله، نگارندگان با تقسیم‌بندی اصول بنیادی آرمان شهر و بیان سخنان حکمت‌آمیز حضرت، اقدام به بررسی آرمان شهر انسانی و به تصویر کشیدن آرمان شهر رضوی کرده‌اند که از جمله اصول بنیادی آرمان شهر رضوی عبارت است از:

## مباحث اقتصادی

از آن جا که اصول اقتصادی در جامعه امروزی نقش اساسی دارد، اولین اصلی که در بررسی آرمان شهر رضوی بدان پرداخته می‌شود بررسی این اصل از دیدگاه امام(ع) است. امام رضا(ع) در لابه لای سخنان خویش بسیاری از مسائل اقتصادی را بیان کرده‌اند به طوری که اصلاح نظام سیاسی، سامان مدیریت‌ها در سخنان آن حضرت نمود ویژه دارد. امام(ع) درباره زکات، ربا، چگونگی داد و ستد، تبیین الگوی مصرف و برحذر بودن از اسراف، دوری از خیانت، پرداخت به موقع حقوق دیگران، التزام به تعهد انسانی در برابر مردم و... سخن گفته و آن‌ها را اصول دین شمرده و نیز به صبر و استقامت، مخالفت با هوای نفس و شهوت، عبرت‌آموزی و... سفارش کرده‌اند. براساس آن چه گذشت آرمان شهر رضوی مبنایش اصول صحیح اخلاقی و انسانی بوده و امام(ع) در تمام موارد متأثر از قرآن و تعالیم رسول(ص) است. از جمله

مباحث اقتصادی عبارت است از:

## روزی حلال

حضرت<sup>(ع)</sup> درباره روزی حلال و اهمیت آن در فرازهای مختلف سخنانشان بر این مسئله تاکید داشته‌اند. از جمله این که می‌فرمایند: «هر که بر روزی حلال و اندک خود راضی باشد، رنج او کمتر و خاندانش در آسایش زندگی می‌کنند. خداوند عیوب دنیا و کیفیت رفع آن‌ها را به او می‌آموزد، و با سلامتی در بهشت مستقر می‌گرداند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۱)، در فراز دیگری می‌فرمایند: «شایسته است انسان دارای نعمت برای خانواده‌اش اسباب آسایش فراهم نماید» (همان: ۴۰۲). حضرت<sup>(ع)</sup> تاکید فرموده بایستی فرد از ثروت خویش در راه آسایش خانواده‌اش استفاده کند. در فرازی دیگر می‌فرمایند که یاری و کمک به ضعیفان (برای این که با اتکا به خود سامان یابند) برتر از صدقه به آن‌هاست. حضرت می‌فرمایند: «یاری رساندن تو به فقیر برتر از صدقه دادن است» (همان: ۳۹۴). در فرازی دیگر به قناعت نداشتن حرص و زیاده خواهی دعوت می‌کنند و می‌فرمایند: «هر کس به روزی کم خداوند راضی گردد، خداوند نیز به عمل کم وی اکتفا می‌کند» (همان: ۴۰۰). در این سخنان حضرت به زیبایی هر چه تمام‌تر به قناعت دعوت می‌کند. از دیگر مواردی که در حیطه مسائل اقتصادی مطرح می‌شود برنامه ریزی صحیح در مقوله معیشت خانواده است. حضرت به این موضوع نیز توجه دارند و می‌فرمایند: «انسان به کنه ایمان نخواهد رسید، جز این که بایستی سه خصلت را دارا باشد: تفقه در دین، برنامه ریزی درست درباره معیشت زندگی، تحمل بر دشواری‌ها و ناملایمات» (همان: ۳۸۰) و درباره کسی که در راه روزی حلال تلاش

می‌کند، می‌فرماید: «کسی که برای تأمین (آبرومندانه) خانواده‌اش می‌کوشد، از مجاهد در راه خدا پاداش اش بزرگ تر است». (همان: ۴۰۰). بنابراین اجر تلاشگر برای کسب روزی حلال معادل جهاد گر در راه خداست. از جمله مباحث مطرح در این زمینه، نوع کسب روزی است. حضرت(ع) با توجه با این اصل، کشاورزی را بهترین راه کسب روزی می‌دانند و می‌فرمایند: «بهترین شغل‌ها، کشاورزی است، نتیجه کشت را همه انسان‌های خوب و بد استفاده می‌کنند. استفاده خوبان سبب آمرزش گناهان و استفاده افراد فاسد موجب لعن ایشان خواهد شد و تمام مخلوقات نیز از نتیجه کشت بهره مند خواهند شد» (همان: ۵۲).

از دیگر موارد نصیحت گونه حضرت(ع) نسبت به پیروانش مربوط به مسئله شکر نعمت است که به نوعی یادآور این آیه قرآنی است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷)، حضرت در تاکید این سخن می‌فرماید: «نعمت‌های الهی را گرامی بدارید، زیرا این نعمت‌ها وحشی‌اند، اگر از دست بروند بعید است بازگردند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۰۲). بر این اساس بر مسلمانان واجب است خدا را به خاطر نعمت‌های فراوانش شکرگزاری کنند. براساس آن چه گذشت یکی از پایه‌های اصلی آرمان شهر رضوی کسب روزی حلال است و در این زمینه روایت‌ها و حکایت‌های فراوانی وجود دارد که به خاطر کمبود مجال به همین موارد اکتفا می‌کنیم و به بیان یکی دیگر از اصول اساسی آرمان شهر رضوی می‌پردازیم.

### پرهیز از اسراف

اسراف در لغت به معنی زیاده روی و افراط است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۸۷)، از بزرگ ترین آفت‌های زندگی بشری قدیم و امروز مسئله زیاده روی و به بیان امروزی

چشم و هم چشمی است که منجر به دنیاگرایی و تجمل خواهی شده در حالی که نسخه شفا بخش دین اسلام و ائمه اهل بیت<sup>(ع)</sup> میانه روی و اعتدال است که دنیاخواهی افراطی کاملاً تقبیح شده است. قرآن می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الاعراف، ۳۱)، در حقیقت همین میانه روی بهترین الگو برای جامعه سعادت‌مند است. در جایی دیگر خداوند بسیار هنرمندانه به مقوله قناعت و نوع حرکت در معیار اسلامی و استفاده از روزی الهی می‌پردازد و می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (النساء، ۶) در این زمینه امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز تاکید بسیار بر دوری از اسراف کاری دارند و داستان‌های فراوانی از ایشان در مقوله مذمت اسراف نقل شده است. از جمله داستان میوه نیم خورده یکی از صحابه ایشان که این کار موجب ناراحتی حضرت<sup>(ع)</sup> شد و فرمودند: سبحان الله اگر شما نیازی ندارید، کسانی هستند که به آن نیاز مندند. آن را به افرادی که محتاج‌اند برسانید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۹: ۱۰۲)، یا در فرازی دیگر حضرت با تاکید بر فضیلت اخلاقی قناعت می‌فرماید: «هیچ عیشی شیرین‌تر از خوش‌خویی نیست و هیچ مالی سودمندتر از قناعت نیست» (همان، ج ۷۸: ۳۴۸) این مطلب نیز تاکیدی چندباره است راجع به دیدگاه حضرت درباره مباحث اقتصادی نداشتن افراط و تفریط در آن‌ها. نکته جالب توجه این که حضرت<sup>(ع)</sup> قناعت در معیشت را هم پایه خوی خوش که یکی از اصول بنیادی مکتب اسلامی است قرار داده است. در واقع اهل بیت<sup>(ع)</sup> بر ضرورت دوری از اسراف تاکید می‌کنند و در این زمینه متأثر از تعالیم قرآنی و تربیت معدن وحی حضرت محمد<sup>(ص)</sup> هستند. اگر این اصل در جامعه‌ای نهادینه شود بدون شک به سعادت‌نهایی رهنمون خواهد شد.



## تواضع

تواضع در کتاب‌های لغت به معنای «تذلل و فروتنی است و در اصطلاح اخلاقی یعنی انسان خود را برتر از دیگران نداند» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۵: ۳۷۲) از جمله فضایل اخلاقی که آن حضرت<sup>(ع)</sup> مکرر به آن توصیه می‌کرد و خود نیز بدان مقید و معتقد بود، تواضع و فروتنی است به طوری که با بردگان سیاه هم سفره می‌شدند، به این دلیل گاهی دیگران بر حضرت خرده می‌گرفتند. نکته جالب توجه این که حضرت<sup>(ع)</sup> با سعه صدر به نقدهای آنان پاسخ می‌داد، و نمود واقعی «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ» را در عمل نشان می‌داد (arjmand, 1996: 11). در روایتی دیگر آمده، حضرت<sup>(ع)</sup> با وجود عظمت جایگاه خویش یک بار در حمام بر پشت شخصی که ایشان را نشناخته بود کیسه کشید و بعد از این که فرد فهمید چه اشتباهی مرتکب شده و پوزش طلبید، ایشان همچنان به کار خویش ادامه دادند (کلینی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۴۸). شکی نیست که از جمله پسندیده‌ترین صفات بشری همین فروتنی است. در اهمیت این ارزش انسانی همین نکته بس که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الشعراء، ۲۱۵)، این تواضع و فروتنی باعث برتری و مقام یافتن فرد می‌شود، چرا که شخص متواضع با فروتنی خویش در زمره بندگان خاص خدا وارد می‌گردد (امین، ۱۳۸۵: ۱۸۷). در جایی دیگر به بندگان توصیه می‌کند که از نشانه‌های بندگی تواضع است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۶۸). اما درباره دیدگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> و سخنان ایشان در این زمینه، همان گونه که از روایات برمی‌آید ایشان توجه خاصی به این مقوله مبذول داشته‌اند. از جمله در کتاب صحیفه می‌فرماید: «أَصْحَبُ السُّلْطَانِ بِالْحَذَرِ، وَالصَّدِيقُ بِالتَّوَاضُعِ، وَالْعَدُوُّ بِالتَّحَرُّزِ، وَالْعَامَّةُ بِالبُّشْرِ» (قیومی

اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۲)، خواننده با اندک دقتی در می‌یابد که حضرت (ع) چقدر زیبا و خلاصه اصول طلایی رفتارهای اجتماعی را برای اشخاص جامعه ترسیم می‌کنند. از دیگر زوایای تواضع که در زمینه فردی بروز پیدا می‌کند، تشکر و قدردانی از دیگر اشخاص اجتماع است. افرادی که به هر نحو به شخص یاری رسانده و توانسته باشند به نوعی کمک حال وی باشند که همین اصل یعنی شکرگزاری بنده نسبت به بنده آن جا که خیری به وی برسد یکی از بنیادی‌ترین اصول جامعه انسانی است و می‌تواند ضامن سلامت اخلاقی جامعه و باعث تداوم و افزایش نیکی در جامعه اسلامی شود. خداوند نیز در قرآن فرموده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۴) که وجود این آیه حاکی از اهمیت و عظمت این اصل اخلاقی است. حضرت در این باره می‌فرماید: «هر که نعمت رسانی از مخلوقات را سپاسگزاری نکند، در حقیقت خدای عز و جل را سپاسگزاری نکرده است» (همان: ۳۷). تمام آن چه به عنوان نمونه بیان شد در حقیقت نمودهایی از دیدگاه آن حضرت درباره آرمان‌های اخلاقی و فضیلت‌های انسانی است که بر پیروان آن حضرت واجب است از این اصول پیروی کنند که همین کار می‌تواند ضامن برپایی جامعه آرمانی برای تک تک ساکنانش باشد.

### تقوا و پرهیزگاری

از بنیان‌های جامعه اسلامی و شاخص‌های انسان مسلمان تقواست که بر تارک جامعه آرمانی اسلامی و رضوی می‌درخشد. تقوا بسیار اهمیت دارد چرا که شخص غیر مطیع امر خدا طبیعتاً در برابر مردم نیز کرنش نخواهد کرد. کسی که حاضر نیست در برابر نعمات الهی شکرگزاری کند، چگونه می‌تواند با مردم سازگاری یابد و به آنان

احترام بگذارد. در تأیید این سخن خداوند باری تعالی می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (الحجرات، ۱۳). پس بهترین معیار در احترام به هم‌نوعان همان معیارهای الهی است.

از بارزترین شاخص‌های سیره عملی حضرت(ع)<sup>(۴)</sup> شب زنده داری و عبادت ایشان بوده و روایت شده که ایشان اکثر شب‌ها را تا سحر بیدار بود و بسیار روزه می‌گرفت. قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۲۹). حضرت در خودسازی بسیار کوشا بودند، و بارها می‌فرمودند: «برتر از این غلام سیاه نیستم، مگر این که کار خوبی انجام دهم تا خداوند به من عوض بهتری عطا فرماید» (شریف القرشی، ۱۴۲۵ ق: ۵۸)، حضرت در روایتی دیگر فرمودند: «ای زید از خدا بترس که آن چه ما بدان رسیده‌ایم، تنها به کمک تقوا میسر گشته» (کلینی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۲۳۵)، در کتاب صحیفه نیز بر این موضوع تأکید فرموده‌اند: «از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس نکند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۹۸)، حضرت در جایی دیگر با تأکید بر اهمیت تقوی می‌فرماید: «هر کس از پیروان ما که از خدا فرمان نبرد از ما نیست» (کلینی، ۱۴۱۹ ق، ج ۵: ۱۸۳). یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «از علامت شیعیان ما تقوی است» (همان: ۴۰۲). در تمام موارد ذکر شده حضرت خدا ترسی و فرمانبری را معیار و نشانه شیعه بودن دانسته‌اند و همین فراوانی روایات در این حیطة اخلاقی حاکی از اهمیت و جایگاه آن در نگاه حضرت و نیز در بنای جامعه اسلامی و بشری دارد.

## آزادی و طلب آزادی

عزت از نظر لغوی یعنی توانایی و غلبه و سر بلندی در برابر ظلم (القبیعه، ۱۹۹۷ م: ۴۸۳)، از ویژگی‌های بارز در زندگی حضرت رسول(ص) مبارزه

دایم با استبداد و ظلم ستیزی بوده و در آینده زندگی ایشان می توان تابلویی کامل از عزت خواهی را دید که از شعب ابی طالب تا غزوه های متعدد حضرت را در بر می گیرد. سایر ائمه<sup>(ع)</sup> نیز این صفت را از جد بزرگوارشان به ارث برده و در زوایای مختلف زندگی شان رد پای آزادگی و عزت طلبی دیده می شود. امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز به تبعیت از اجداد بزرگوارشان پیامبر<sup>(ص)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup> و... بر اهمیت این اصل تاکید می کنند و می فرمایند: «هر که می خواهد برترین انسان ها باشد، بایستی در پنهان و آشکار تقوای الهی پیشه کند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۲۷۷)، حضرت در این سخن تقوی الهی را عامل عزت و آزادگی و سربلندی می دانند که البته اگر تنها همین خصلت الهی و دینی در جامعه اسلامی رواج پیدا کند، می تواند بهترین نسخه شفا بخش برای موفقیت و پیشرفت آن باشد و یکی از اساسی ترین پایه های جامعه آرمانی و آرمان شهر رضوی نیز همین فضیلت اخلاقی است.

### دیدگاه حضرت درباره امور اجتماعی

در بعد اخلاقیات اجتماعی و آداب زندگی عمومی در سیره عملی پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه اهل بیت<sup>(ع)</sup> عموماً و امام رضا<sup>(ع)</sup> خصوصاً، زوایای مختلفی وجود دارد که هر یک در نوع خود بلندای فضایل بشری را نشان می دهند و رعایت این اصول تضمین کننده سعادت در آرمان شهر رضوی است. در این میان می توان به چند نمونه اشاره کرد:

### بر خوردهای روزمره

خوش رفتاری با همنوعان و خدمت به خلق از جمله دستورات اولیه دین اسلام است که رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و ائمه اهل بیت<sup>(ع)</sup> نیز بر آن تاکید داشته اند. بر اساس این رویکرد کسی حق ندارد بر اساس سود شخصی یا معیارهای مادی با دیگران

برخورد کند و با افراد نادار بی مهری و تکبر ورزد. بلکه اساس در دین مبین اسلام یاری رساندن به انسان نیازمند و گره گشایی مشکلات وی است. بر مبنای همین اصول است که می بینیم حضرت در سیره عملی خویش با وجود داشتن مقام امامت و ولایت عهدی با غلامان سیه چرده هم سفره می شود تا سیمای واقعی دین اسلام را به نمایش گذارد. و هیچ گاه دیده یا شنیده نشد، که حضرت (ع) با سخن خویش کسی را برنجاند یا مسخره کند (ابن جبیر، ۱۳۷۵، ق، ج ۴: ۳۶۰). امام درباره رفتار اخلاقی می فرماید: «با سلطان با آینده نگری و با دوست با فروتنی و با دشمن با دقت و با عموم مردم با خوشرویی رفتار کن» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۲) در روایتی دیگر می فرماید: «بدترین مردم کسی است که از یاری رساندن به مردم خود داری کند» (حلوانی، ۱۳۸۳، ق: ۴۴۸)، و در کلامی دیگر می فرماید: «همدلی و دوستی با مردم نیمی از عقل است» (همان: ۳۹۰)، درباره برخورد با مردم در سخنی دیگر حضرت می فرماید: «مؤمن حقیقت ایمان را در ک نمی کند آن که سه خصلت در وی باشد: خصلتی از خداوند، که همان کتمان سر است، خصلتی از پیامبر که مدارا کردن با مردم است، و خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبایی در مقابل شداید است» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۰)، که همین سخنان با وجود حجم کم دریایی از آموزه های اجتماعی را در بر می گیرد، که هر کدام می تواند پایه ای از اصول بنیادی آرمان شهر رضوی را برپا کند و باعث رسیدن نوع بشر به سعادت واقعی باشد.

### یاری مردم و فریادرسی مظلوم

از جمله وظایف هر فرد در جامعه انسانی یاری کردن سایر افراد و هموعان است به طوری که بر آوردن نیاز یک مؤمن برابر بیست حج اجر دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۳۶۳) و حتی از بهترین کارها در نزد خداوند است. در

این زمینه امام رضا<sup>(ع)</sup> بسیار تاکید دارند و می فرمایند: «برای رفع نیاز نیازمندان و خشنود کردن دل مومنان تلاش کنید، چرا که بعد از واجبات هیچ عملی نزد خداوند پسندیده تر از این کار نیست» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸: ۳۴۷)، در این زمینه سیره عملی حضرت<sup>(ع)</sup> به صورت تمام و کمال انعکاسی از این ارزش‌ها و ارج نهادن به این اصول اخلاقی و به نوعی در پی نهادینه کردن این اصول در اخلاقیات دولتمردان عباسی است. چرا که عمل به این اصول معادل سعادت بشری و رویگردانی از این اصول معادل انحطاط جامعه بشری است. از جمله سنن امام رضا<sup>(ع)</sup> که بسیار نیز بدان توصیه می کرده اند، فریادرسی محرومان است: «برترین اخلاق‌ها و ارزشمندترین آن‌ها انجام کار نیک، دستگیری از ناتوان، برآورده کردن آرزوی آرزومند، و متحقق ساختن امید امیدوار است» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۳). و در مجموعه افراد برده و بینوا نیز حضرت بارها تاکید بر عدم خودبر تربینی بر این افراد دارد و به کمک رسانی به این دسته اجتماعی دعوت می کند، آن جا که می فرمایند: «یاری افراد ضعیف از صدقه در راه خدا برتر است» (همان: ۳۹۵). که همین امر و نوع گفتار حاکی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است.

### وفای به عهد

از دیگر مواردی که در جامعه بشری قبل از اسلام بسیار با اهمیت بوده و در بستر اخلاقی اسلامی نیز جایگاه ویژه ای داشته وفای به عهد است. در قرآن کریم نیز تاکید زیادی بر این مقوله شده است، از جمله در آیه: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانُ مَسْئُولًا» (الاسراء، ۳۴)، که ذات باری تعالی فرد وعده دهنده را مسئول می داند، و بایستی بر عهد خویش استوار باشد. حضرت<sup>(ع)</sup> نیز بر این نکته تاکید ویژه ای داشته‌اند.

از جمله در تاکید این فضیلت می‌فرمایند: «ما خاندان، وعده‌هایمان را همچون دین بر خود تلقی می‌کنیم، همان گونه که پیامبر چنین بود» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷،: ۴۰۵). همین سخن از حضرت<sup>(ع)</sup> ما را از اطاله کلام مستغنی می‌کند، چرا که با وجود حجم کم، دریایی از حکمت است و تمام این مواردی که در قالب اصول اجتماعی مطرح کردیم، هر کدام می‌تواند دریایی از نصایح و درس‌های اخلاقی در جهت بهتر شدن هر چه بیشتر جامعه اسلامی باشد. اگر دولتمردان و افراد هر جامعه این امور را مد نظر داشته باشند، باعث مهیا شدن اسباب راحتی جامعه بشری و رهنمون شدن آن به سوی سعادت می‌شود. در واقع اگر افراد جامعه اسلامی سیره عملی حضرت<sup>(ع)</sup> در این حیطة را مدنظر قرار دهند، مطمئناً جامعه‌ای نمادین را پایه‌گذاری می‌کنند که در آن هیچ یک از افراد جامعه از فقر و ناتوانی و دروغ و خلف وعده شکایت ندارد، و آن گاه که این امور در قالب یک تابلو ترسیم شود، بدون شک بهترین تصویر جامعه انسانی را پیش روی بیننده ترسیم خواهد کردی و به نمایش خواهد گذاشت.

### صله رحم

“صله” در کتب لغت به معنای جایزه و احسان است و معنای مصدری آن احسان و عطا کردن است. صله رحم به معنای ارتباط برقرار کردن است. صله رحم، پیوستن با خویشان و محبت و سلوک داشتن با اقرباست (بندریگی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۸۸) در فرهنگ اسلامی نیز دارای جایگاهی والاست و در قرآن و حدیث بر آن تأکید فراوانی شده و از گسیختگی آن به شدت نفی شده است. پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنان به ویژه والدین، از راه‌های رشد در همه زمینه‌های زندگی و از با فضیلت‌ترین اعمال دینی به شمار می‌رود. از طرفی قطع ارتباط با خویشاوندان به

نوعی پیمان شکنی با خدا و از بزرگ ترین گناهان محسوب می شود، و همراهی با کسی که ارتباط با خویشاوندان را قطع کرده است مورد نهی ائمه<sup>(ع)</sup> است. در قرآن نیز قاطع رحم مورد لعن و بازخواست قرار گرفته، از جمله: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (البقره، ۲۷). همچنین، در سوره اسراء می فرماید: «حق خویشان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار» (الاسراء، ۲۶) در جای دیگر، آن را هم تراز عدل و احسان می داند و می فرماید: «همانا خداوند (خلق را) به انصاف و عدل و احسان و نیز به بذل و بخشش به خویشاوندان امر می کند و از رفتارهای زشت و ناپسند ظالمانه نهی می کند و موعظه می کند تا شاید متذکر و پندپذیر باشید» (النحل، ۹۰).

این موضوع تا جایی در قرآن پیش می رود که قطع رحم با خویشاوندان را صفتی از صفات منافقان بر می شمارد و می فرماید: «شما (منافقان) اگر از فرمان خدا روی بگردانید و یا در زمین فساد کنید و قطع رحم کنید، باز هم امید نجات دارید.» (محمد، ۲۲). این که در قرآن سفارش به تقوا و سفارش به ارحام در کنار هم آمده است، نشان دهنده این است که اگر کسی به خویشاوندانش رسیدگی و احسان نکند، با تقوا محسوب نمی شود. آیاتی از این قبیل که خداوند مکرر بر قطع کنندگان ارتباط با ارحام توبیخ و سرزنش وارد می کند در قرآن بسیارند. از سوی دیگر پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز پیروان خویش را از این عمل برحذر می کند و می فرماید: «هر کس دوست می دارد و خرسند می گردد که خداوند عمر او را طولانی گرداند و در زندگی روزی او با وسعت و برکت گردد، حتماً با قوم و خویش خود صله رحم کند.» (کلینی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۵۰) در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز بحث ارتباط با خویشان مورد تاکید است. از جمله در



این فراز امام<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «صله رحم کن اگر چه با یک جرعه آب باشد، و بهترین چیزی که صله رحم به آن واقع می‌شود آزار نرساندن است» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۸). و در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند عزوجل، سه چیز را با سه چیز دیگر همراه ساخته است: ۱- اقامه نماز و پرداختن زکات همزمان؛ پس هر که زکات نپردازد، نماز او قبول نیست. ۲- به سپاسگزاری از او (خدا) و سپاسگزاری از پدر و مادر با هم فرمان داده است؛ پس هر که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، از خداوند سپاسگزاری نکرده است. ۳- به رعایت تقوا و صله رحم با هم فرمان داده است؛ پس هر کس صله رحم نکند، تقوای الهی را رعایت نکرده است. (ابن بابویه ۱۳۶۳: ۱۵۶)، امام رضا<sup>(ع)</sup> تقوای الهی را در گرو انجام صله رحم می‌دانند، و این خود اهمیت مسئله را نشان می‌دهد. درباره تاثیرات صله رحم بیانات زیادی از امام<sup>(ع)</sup> وجود دارد که هر یک به نوبه خود می‌تواند عاملی در جهت بهتر شدن زندگی نوع بشر باشد. از جمله تاثیرات این سنت پسندیده طول عمر است. در فرازی دیگر امام<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «کسی که سه سال از عمرش باقی باشد، اما صله رحم انجام دهد، خداوند بزرگ ۳۰ سال بر عمرش اضافه می‌کند» (کلینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۵۰).

با تأمل در این مطلب به این نتیجه می‌رسیم که بحث صله رحم از طرف حضرت<sup>(ع)</sup> بسیار مورد تأکید است، در حدی که برای ترغیب به آن صله رحم را معادل با افزایش عمر و جاودانگی بیشتر فرد در دنیا می‌دانند. در فرازی دیگر حضرت<sup>(ع)</sup> صله رحم را باعث وسعت روزی و محبوبیت در دل‌ها می‌دانند و در روایتی به نقل از احمد بزنتلی آمده است که امام رضا<sup>(ع)</sup> از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل کرده که فرموده‌اند: «صله رحم، موجب به فراموشی انداختن مرگ (طول عمر) و افزونی مال و مایه محبوبیت در بین خویشاوندان است» (همان: ۳۰۸). و در جای دیگر صله رحم را از جمله موارد مباحثات

ملائکه خدا می دانند و می فرمایند: «هر که امور و حقوق لازم مؤمنین را به انجام رساند، خداوند و فرشتگان به او مباحثات می کنند». (همان: ۳۰۹)، بنابراین اولین گام برای رفع و رجوع کارهای مؤمنین ارتباط با ایشان است. در جای دیگر می فرمایند: «پیوند خویشاوندی و حسن همسایگی (خوش رفتاری با همسایگان) اموال را زیاد می کند. (کلینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۵۷)، بر این اساس یکی از سنگ بناهای اساسی در ساختار مدینه فاضله اسلامی و رضوی صله رحم و ارتباط با خویشاوندان است که البته همین ارتباط باعث استحکام روابط اجتماعی و نفوذ ناپذیری جامعه می شود. از دیگر مواردی که حضرت در این زمینه بر آن تاکید می کند، این است که صله رحم منجر به جلب رحمت الهی می شود و می فرمایند: «همانا رحم آل محمد یعنی ائمه اطهار به عرش او یخته است و می افزاید: خدا یا به هر که به من می پیوندد، با او پیوند برقرار کن، و از هر که از من بریده است، تراز او ببر»، و بعد از این هم این موضوع در مورد خویشاوندان مؤمنین جریان دارد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می کنید (خدا را در نظر آورید) و درباره ارحام کوتاهی نکنید» (کلینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۵۶). که این روایت دلالت تامی بر اهمیت این فضیلت اخلاقی دارد، و حضرت یادآوری آن را معادل یاد کردن خدا می داند، از دیگر مواردی که حضرت آن را متأثر از صله رحم می داند، جلب رضایت الهی و ورود به بهشت است. در کتاب شریف عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup> روایتی از امام رضا<sup>(ع)</sup> به اسناد از علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> آمده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک چیز را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را برای او ضمانت می کنم، با خویشاوندان خود رابطه داشته باشد تا خدا او را دوست بدارد و به او روزی فراخ دهد و عمر او را طولانی کند و او را به بهشتی که وعده داده است، وارد کند. (ابن

بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۴). تمام آن چه بیان شده قطره ای از دریای سخنان و نصایح امام رضا(ع) و سایر ائمه در باره این فضیلت اخلاقی بود که خود حاکی از اهمیت والای این فضیلت در بنای جامعه انسانی و بشری است و اگر این سنت در جامعه بشری نهادینه شود بدون شک آن جامعه به سوی سعادت بشری رهنمون می شود و نتیجه آن آرمان شهر رضوی خواهد بود.

### موجبات قطع رحم در کلام امام رضا(ع)

درباره قطع رحم، حضرت بسیار نهی فرموده‌اند و برخی عوامل را از موجبات قطع رحم می‌دانند. از جمله این موارد مال اندوزی است که در این زمینه امام رضا(ع) می‌فرمایند: «مال جز با پنج خصلت جمع نمی‌شود: بخل شدید، آرزوهای دور و دراز، حرص غالب، قطع رابطه با خویشان، مقدم داشتن دنیا بر آخرت».

(forty hadiths from imam reza(p.b.u.h). 1992.p26). از دیگر عوامل

قطع رحم از منظر امام رضا(ع) اصالت دادن به مزایای ظاهری همچون مال، شهرت، مقام است. امام رضا(ع) در این زمینه فرمود: «رسول اکرم(ص) فرمود که هر کس مؤمنی را خوار کند، یا او را به سبب فقر و تنگدستی اش حقیر شمارد، خداوند او را در روز قیامت انگشت نما و رسوا خواهد کرد(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۳) امام(ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «هر که فقیر مسلمانی را ملاقات کند و بر او نه بدان گونه که بر غنی سلام می‌کند، سلام کند، خدا را در روز قیامت در حالی که بر او خشمگین است ملاقات خواهد کرد(النوری الطبرسی، ۱۳۸۲، ج ۷: ۱۳۳). تا این جا برای خواننده محترم اهمیت این فضیلت اخلاقی براساس آیات قرآنی و روایات متعدد کاملاً آشکار شد، هر چند تمام این موارد که به عنوان شاهد مثال آورده شد قطره ای از دریای

آیات و روایات است. چرا که این اصل نیز یکی از سنگ بناهای اساسی بنیان گذاری مدینه فاضله اسلامی و رضوی است. در اهمیت این فضیلت همین سخن بس که اگر در بین جامعه انسانی دیدار و ارتباط جود نداشته باشد، در حقیقت جامعه ای وجود نخواهد داشت، و البته صفات دیگری نیز وجود دارد که باید مسلمانان از آن دوری کنند.

### بخل و حرص و حسد

صفت رذیله بخل، یکی از موانع مهم تحصیل آسایش (ناشی از) مصاحبت با دیگران است، زیرا طبیعی است که فرد بخیل به علت نگرانی از فقر و نیازمندی و تلقین به خود که اگر مالی را به دیگران انفاق کند، دارایی او کم و سرانجام فقیر می شود و هرگز راضی نیست لقمه‌ای از طعام او را کسی میل کند. از این رو بخیل سر سفره مردم نمی نشیند و از طعام آن‌ها میل نمی کند، زیرا می ترسد دیگران نیز سر سفره او بنشینند و از آن استفاده کنند. امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمود: «بخیل از غذای مردم نمی خورد تا مردم از غذای او نخورند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۸۵). در این زمینه آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد از جمله: «لَيَنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلَیَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (الطلاق، ۷) یا در جای دیگر خداوند خطاب به بندگان خود می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره، ۲۶۱)، و البته در این زمینه روایات زیادی از زبان و سیره عملی پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> وجود دارد، که به خاطر کمبود مجال از آوردن شان خود داری می کنیم، اما درباره سیره عملی امام رضا<sup>(ع)</sup> ایشان داریم بر این مقوله تاکید داشته‌اند و پیروان شان را به این فضیلت دعوت می کرده‌اند،

از جمله: «از حرص و حسد دوری کنید، چرا که این دو ملت‌های قبلی را هلاک کردند، و از بخل دوری کنید، چرا که ضعیفی است که در انسان آزاد مرد و مومن وجود ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸: ۳۴۶)، از میان این رذایل اخلاقی، بخل، مهلک‌ترین است. بخیل زندگانی را مسموم می‌کند و جسم و روح انسان را تحلیل می‌برد. بخیل موجودی بی حاصل و بدخواه است و از عاطفه و ترحم و شرافت به کلی عاری است. تقلب یگانه شعار او در زندگی است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۴۴۶). از درستکاری و صداقت و احترام به نفس، چیزی نمی‌فهمد و حاضر است خود را در مقابل مردم زبون و بیچاره قلمداد کند، تا از مساعدت‌های آنان محروم نماند. چنین کسانی، تمام احساسات نیک و غرایز طبیعی و صفات پسندیده خود را از دست می‌دهند و آتش نشاط و مسرت شان به خاموشی می‌گراید و نیروی روحانی و معنوی در آنان رو به ضعف می‌نهد. (پوشه، بی تا: ۱۳۸). در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> موارد گوناگونی وجود دارد که همگی تاکید دارند بر این که فرد مؤمن باید از این رذایل اخلاقی دوری کند، از جمله: «انسان بخیل را آسایش، انسان حسود را لذت، پادشاهان را وفا، و انسان دروغگو را مروّت نباشد (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۹۶) تا بدین جا مواردی را بر شمردیم، که اگر در جامعه ای باشد منجر به نابودی آن می‌شود، البته این رذایل اخلاقی و آن چه در این حیطة قرار می‌گیرند جایگاهی در مدینه فاضله رضوی ندارند.

### روابط اجتماعی

در این مجال به بیان برخی موضوعات که زیرمجموعه روابط اجتماعی قرار می‌گیرد می‌پردازیم. هر چند تعداد این موضوعات بسیار زیاد است اما ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و ضمن بیان تأثیر اجتماعی آن به بیان دیدگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> در حیطة آن و بیان آیات و روایات مهمی که در این زمینه وجود دارد، خواهیم پرداخت.

## حسن خلق

از جمله صفات خداوند رحمان، رحیم و ودود است. از دیگر سو حتی اسم‌هایی مانند منتقم و شدید العقاب و... که در ظاهر معنایی خلاف مهربانی را به ذهن متبادر می‌کنند، در حقیقت و عمق معنا دلالت بر مهربانی ذات باری تعالی دارند. مهربانی و حسن خلق یکی از پایه‌های اساسی شریعت رسول اکرم (ص) است. شخصیت پیامبر (ص) دارای ابعاد وسیع و والایی است که خداوند بزرگ اخلاق آن حضرت را با تعبیر "عظیم" یاد کرده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم، ۴) و از این قبیل آیات که همه تأکید بر حسن خلق رسول (ص) دارند، در سیره ائمه اهل بیت (ع) نیز این مقوله کاملاً آشکار است و احادیث و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده‌اند که همه آن‌ها متفق القول تأکید دارند بر این نکته که ائمه (ع) یگانه‌های عصر خویش در مکارم اخلاقی و حسن رفتارند، درباره امام رضا (ع) نیز این قاعده کاملاً صدق دارد، تا جایی که یکی از القاب ایشان «الامام الرئوف» است. امام رضا (ع) در زمان حیات مبارک خویش کانون مهر و عاطفه نسبت به مردم و مظهر عشق و محبت به آن‌ها بودند. این مهربانی در تک تک زوایای زندگی و برخورد ایشان با مردم جامعه به روشنی مشهود است، از جمله حضرت رضا (ع) می‌فرمایند: «مهربانی با مردم نیمی از عقل است» (قیومی اصفهانی ۱۳۸۷: ۳۹۰)، یا در فرازی دیگر می‌فرمایند: «همانا مدارا با مردم و مهربانی با ایشان از صفات انبیای خداست» (همان: ۳۸۹)، که حضرت صاحب حسن خلق و مدارای با مردم را در ردیف انبیا خدا قرار می‌دهد، و در حقیقت با این تشبیه هدف حضرت (ع) تشویق پیروان دین مبین اسلام به این فضیلت اخلاقی است. یا در جایی دیگر با تأکید بر این صفت اخلاقی مهم می‌فرماید: «صفت ایمان در فرد تحقق نمی‌یابد مگر این که سه صفت در وی باشد: راز داری، برخورد نیکو

با مردم و صبر و شکیبایی در غم‌ها» (همان: ۳۸۰)، و در فرازی دیگر می‌فرماید: «نزدیک‌ترین همنشین من در روز قیامت، بهترین شما از نظر اخلاق و بهترین شما نسبت به خانواده‌اش است» (همان: ۲۹۷)، در کلامی دیگر می‌فرماید: «به دیگران نیکی کن، چه شایسته نیکی کردن باشند، چه نباشند، چرا که خود شایسته نیکی کردن هستی» (همان: ۲۹۲)، یا در فراز دیگری از سخنان خویش فرمودند: «خوش اخلاق باشید چرا که انسان خوش اخلاق یقیناً در بهشت است» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۱)، یا در روایت آمده، از حضرت سؤال شد عقل چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «تحمّل مشکلات و ناملايمات، زیرک بودن و حرکات دشمن را زیر نظر داشتن، مدارا کردن با دوستان است که اختلاف نظرها سبب فتنه و آشوب نشود» (صالحی، بی تا: ۳۲۵)، همین کلام خود به تنهایی دریای از مفاهیم را در زمینه اصلاح و پیشرفت جامعه اسلامی در بر دارد، همان گونه که مشاهده شد حضرت تمام تلاش خود را به کار بسته تا بتواند حسن خلق را که یکی از اساسی‌ترین اصول ساخت جامعه اسلامی انسانی است در بین مردم نهادینه کند و در این زمینه بارها تاکید داشته‌اند، حتی در سیره عملی ایشان می‌بینیم به عنوان امام و مقتدای جامعه اسلامی تابلوی تمام نمای مهر و عطوفت بوده‌اند از جمله آن چه از ابراهیم بن عباس صولی صحابی حضرت نقل شده، که گفته است: «من ابوالحسن الرضا<sup>(ع)</sup> را هرگز ندیدم در سخن گفتن، با کسی درشتی کنند» یا «من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کنند» یا «هرگز در خواست کسی را که قادر به انجام دادن آن بود رد نفرمودند» یا «هرگز پاهای خود را جلو همنشین دراز نمی‌کردند» یا «هرگز در برابر همنشین تکیه نمی‌کردند» یا «هرگز او را ندیدم که غلامان و بردگان خود را بد گویند» یا «هرگز او را ندیدم که آب دهان

بیندازند» یا «هرگز او را ندیدم که قهقهه بزند بلکه خنده‌اش تبسم بود»، تا آن جا که می‌گوید: هر که بگوید در فضیلت کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید (اربلی، ج ۳، ۱۵۷). حضرت<sup>(ع)</sup> در جایی دیگر با تاکید بر فضیلت اخلاقی حسن خلق و نفی تکبر می‌فرماید: «هیچ زندگی شیرین تر از زندگی با حسن خلق نیست، و هیچ مالی سودمندتر از قناعت نیست، و هیچ جهلی مضرتر از خودبرتر بینی نیست (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸: ۳۴۸). تمام مواردی که بیان شد نمونه‌هایی از آیات و روایات موجود در این زمینه بود که به عنوان شاهد مثال ذکر شد و همان گونه که مشاهده شد حضرت در تمام موارد توجه و اهتمام بسیار زیادی بر این فضیلت اخلاقی داشته‌اند و مشخص شد یکی از ارکان اصلی مدینه فاضله رضوی را نیز همین مورد تشکیل می‌دهد.

### احسان و تکریم

کلمه احسان مصدر باب افعال بوده و ریشه آن، حسن است. حسن عبارت است از هر اثر شادی بخش که مورد آرزو باشد و سه گونه است: اول آن گونه زیبایی که مورد پسند عقل و خرد است، دوم: زیبایی که از جهت هوی و هوس نیکوست، سوم: زیبایی محسوس که طبیعتاً زیبا و خوب است؛ به تعبیری دیگر حسن به سه نوع زیبایی عقلانی، هوس پسند و زیبایی طبیعی و حسی تقسیم پذیر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۳۶)، برخی گفته‌اند: احسان دو گونه است: الف- بخشش و انعام بر دیگران مثل عبارت: أحسن إلی فلان: به او نیکی کرد. ب- احسان در کار و عمل به این معنی که کسی علم نیکویی را بیاموزد، یا عمل نیکی را انجام دهد، البته در این زمینه آیات زیادی وجود دارد که نشان دهنده اهمیت این فضیلت اخلاقی است از جمله: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهِ» (الاسراء، ۴۸)، رسول اکرم<sup>(ص)</sup> در این زمینه



تاکید دارند و سخنان فراوانی از ایشان نقل شده از جمله: «ضعیفان را یاری نمایید، زیرا که شما به خاطر آنان روزی داده و حمایت می شوید» (پاینده، ۱۳۶۳: ۲۰)، امام علی (ع) با تاکید بر این مقوله فرموده‌اند: «انسان‌ها فرزندان کارهای خوبی که انجام می دهند، می باشند» (کلینی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۱۲۶). در این حدیث مستقیم مردم به آن چه را که از کارهای شایسته و نیک می آموزند یا به آن عمل می کنند نسبت داده می شوند در کتاب شریف صحیفه الرضا، حضرت در فرازی از سخنان خویش به صورت کنایی به فضیلت احسان اشاره دارند و می فرمایند: «انسان کریم از غذای دیگران می خورد تا دیگران نیز از غذای وی تناول کنند و انسان خسیس از غذای دیگران لقمه ای بر نمی گیرد، مبادا دیگران نیز از غذای وی بهره مند گردند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۸). حضرت در فرازی دیگر از سخنانشان مال و ثروت دنیایی را در صورتی فایده مند می دانند که منجر به بخشش و آبرومندی فرد گردد: «بهترین مال آن است که حافظ آبروی فرد باشد»

(a brief biography of imam reza A.s. 2009:23)، بخشش مال یکی از راه‌های اصلی حفظ آبرو و خوش نامی است. ایشان در فرازی دیگر می فرماید: «بهترین بندگان آنان هستند که اگر نیکی کنند خوشحال می شوند، و اگر بدی کنند توبه می کنند و اگر چیزی عطا کنند شکرگزاری می کنند» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۸). در این فراز حضرت ضمن بیان فضیلت احسان مجموعه ای از بهترین فضایل اخلاقی را برای مخاطب بر می شمارد و نقشه راه ترسیم می کند که باعث سعادت و تامین کننده اعتلای انسانی است. با توجه به آن چه گذشت مشخص شد، احسان و بخشش به دیگران در مکتب اسلام بسیار مورد تاکید بوده و در آرمان شهر رضوی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

## خدمت به خلق

در زمینه خدمت به خلق حضرت فراوان تاکید فرموده‌اند. از جمله می‌فرمایند: «در بر آوردن نیازهای مومنان و شاد کردن آن‌ها و دور کردن امور ناخوشایند از ایشان بکوشید، زیرا هیچ عملی نزد خداوند عز و جل بعد از واجبات، برتر از شاد کردن دل مؤمن نیست» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸: ۳۴۷)، البته این که انسان خدمت کردن به هموعان خود را در رأس برنامه‌های زندگی خود قرار دهد، بسیار اهمیت دارد و باعث می‌شود در جامعه اثری از انسان‌های نیازمند باقی نماند. در کلامی از حضرت<sup>(ع)</sup> آمده: «هر بنده‌ای که از مخلوق خدا در قبال کاری که برایش انجام داده تشکر نکند، در حقیقت از خدا تشکر نکرده» (غفاری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۷) که این مطلب نشان دهند دوطرفه بودن خدمت است. یعنی بنده باید به هموع خود خدمت کند و از دیگر سو فرد نیز واجب است از خادم تشکر کند و قدر زحمات وی را بداند که اگر این گونه باشد، جامعه اسلامی و محمدی واقعاً نمود پیدا می‌کند. در فراز دیگری از سخنان خویش می‌فرمایند: «بدانید که پس از ایمان آوردن به خدا، هیچ عمل شکرآمیزی نزد خداوند محبوب‌تر از یاری رسانی در امور دنیوی برادران مومن تان نیست، بی شک آن که چنین کند از خاصان درگاه باری تعالی است» (همان، ج ۷۸: ۳۵۵). در فرازی دیگر از سخنان خویش که تابلوی تمام‌نمای اصلاح اجتماع انسانی است می‌فرمایند: «هر کس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می‌گرداند». (صالحی، بی تا: ۱۳۷)، حضرت در فراز دیگری از سخنان خویشتن یاری رساندن به مؤمن را از نشانه‌های ایمان دانسته‌اند و می‌فرمایند: «هر کس غمی از غم‌های دنیا را از مؤمنی بر طرف کند، خداوند غمی از غم‌های آخرت او را بر طرف می‌کند» (حر عاملی، بی تا،

ج ۱۵: ۱۹۳)، و آخرین روایتی که در این مجال می‌آوریم آن جاست که حضرت<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «برترین اخلاق و ارزشمندترین آن‌ها انجام کار نیک، دستگیری از ناتوان، برآورده کردن آرزوی آرزومند و متحقق ساختن امید امیدوار است» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۲).

### امر به معروف و نهی از منکر

از جمله واجباتی که در جامعه امروز ما متأسفانه رنگ باخته، در حدی که از آن به عنوان واجب فراموش شده یاد می‌شود امر به معروف و نهی از منکر است و البته این امر طبیعی می‌نماید که اگر در جامعه‌ای به صورت جدی تمام افراد این واجب الهی را وظیفه خویش بدانند، ریشه رذایل اخلاقی در آن جامعه می‌خشکد و گام به گام به سوی بهتر و برتر شدن پیش می‌رود. در این زمینه نیز آیات و روایات فراوانی وجود دارد که متفق القول بر اهمیت این فضیلت اخلاقی و ضرورت اهتمام به آن تاکید دارند، از جمله خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و به خوبی فرمان دهند و از بدی باز دارند» (آل عمران، ۱۰۴) یا «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌است، به خوبی فرمان می‌دهید و از بدی باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است. بعضی از ایشان مومن اند ولی بیشترشان تبه کارند» (آل عمران، ۱۱۰) یا «ای پسرک من! نماز بگزار و به خوبی فرمان ده و از بدی باز دار و بر هر چه به تو رسد صبر کن؛ زیرا این از کارهایی است که نباید سهل‌اش گرفت» (لقمان، ۱۷)، کثرت این آیات دلالت کاملی بر اهمیت این فضیلت از دیدگاه ذات اقدس الهی دارد، روایات زیادی نیز در این زمینه از امام رضا<sup>(ع)</sup> وجود دارد که به یکی از آن‌ها اشاره

می‌شود، آن‌جا که حضرت<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «باید هر یک از شماها امر به معروف و نهی از منکر نمایید، و گرنه شرورترین افراد بر شما تسلط یافته و آن‌چه که خوبان شما، دعا و نفرین کنند مستجاب نخواهد شد» (صالحی، بی‌تا: ۱۳۲)، همان‌گونه که بیان شد اگر اقدام به این فضیلت اخلاقی در بین جامعه اسلامی رواج پیدا کند، بدون شک آن جامعه به سوی موفقیت و پیشرفت و در نهایت سعادت بشری رهنمون خواهد شد و این فضیلت اخلاقی یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین بنیان‌های آرمان شهر رضوی است و از آن‌جا که اصول آرمان شهر رضوی بر گرفته از تعالیم وحیانی و مکتب اسلام و این فضیلت نیز از اساسی‌ترین مباحث مطرح در مکتب اسلام می‌باشد، پس طبیعی می‌نماید که در پایه‌گذاری آرمان شهر رضوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد.

### سخاوت‌مندی در محیط و رفتار اجتماعی

از دیگر فضایل اخلاقی که می‌تواند نقشی مهم در آرمان شهر رضوی ایفا کند، سخاوت‌مندی است. در این زمینه آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان دهنده اهمیت و جایگاه والای این صفت اسلامی و در حقیقت اخلاقی است از جمله سخن رسول اکرم<sup>(ص)</sup> که در ضمن دعاهاى خویش فرمودند: «بارالها به لطف و کرم خودت همه گرسنگان را سیر گردان»، البته همان‌گونه که در سیره عملی ایشان نیز نمود پیدا کرده است، حضرت<sup>(ص)</sup> در زمینه سخاوت‌مندی و کرامت به فقیران از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. همانند پیامبر<sup>(ص)</sup>، امام علی<sup>(ع)</sup> نیز بر این مقوله تأکید داشته و فرموده‌اند: «همانا خداند باری تعالی قوت فقیران را در اموال ثروتمندان قرار داده» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق: ۳۲۸)، اما دیدگاه امام رضا<sup>(ع)</sup> در این زمینه نیز بسیار حائز اهمیت است و ایشان نیز بر این فضیلت بسیار تأکید داشته‌اند. در سیره عملی

ایشان داستان‌های فراوانی روایت شده، از جمله ایشان فرموده‌اند: «سखाوتمندی درختی است که ریشه در بهشت دارد و شاخه‌هایش در دنیا می‌باشد، و هر که به شاخه از شاخه‌های آن چنگ اندازد وارد بهشت می‌گردد» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۶۸)، این نوع بیان که حضرت<sup>(ع)</sup> درباره این صفت اخلاقی اظهار داشته‌اند، حاکی از جایگاه ویژه این فضیلت در نزد امام<sup>(ع)</sup> است و البته خبر از عظمت جایگاه آن در بنای آرمان شهر رضوی دارد، و همان گونه که محرز است از خصوصیات جامعه اسلامی سخاوتمندی و باری ناتوانان و فقیران است. حضرت<sup>(ع)</sup> در فرازی دیگر می‌فرمایند: «افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می‌کنند، تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند، ولیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی‌خورند تا آن‌ها هم از غذای ایشان نخورند» (صالحی، بی تا: ۱۳۳). آن چه تاکنون بیان شد چه از موارد و تقسیمات فضایل اخلاقی و چه از منظر آیات و روایاتی که از قرآن و پیامبر و سایر ائمه<sup>(ع)</sup> و خصوصاً امام رضا<sup>(ع)</sup> بیان گردید، قطره‌ای از دریای سخنان این بزرگواران می‌باشد، که البته ما به جهت کثرت آن‌ها به آوردن برخی موارد با اهمیت‌تر اکتفا کردیم، اما این به این معنی نمی‌باشد که ما توانسته‌ایم حق مطلب را به صورت تمام کمال ادا کنیم، چرا که در زمینه بیان خصوصیات و ملاک‌های آرمان شهر رضوی جای کار بسیار دارد، ولی این بدین معنا نیست که ما به این مهم اقدام نکنیم، بلکه آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، بنابراین آن چه ذکر گردید، پژوهش کاملی در زمینه آرمان شهر رضوی و بیان اصول اساسی و بنیان‌های حقیقی آن می‌باشد که به صورت خلاصه و کامل برای خوانندگان محترم بیان شد.

## نتیجه گیری

آرمان شهر مدنظر امام رضا<sup>(ع)</sup> ویژگی‌هایی دارد، که از جمله بر محور عدالت و دین و بازگشت به دوران سیادت اصول اخلاقی و انسانی و برپایی حکومت عدل الهی در بهترین جامعه دینی و در بین برترین فرزندان بشر است. امام<sup>(ع)</sup> در عین حال که سعی در بیان و اجرای تمام اصول اخلاقی اسلامی دارند، بر نیازهای جامعه و اشخاص نیز بسیار توجه می‌کنند که همین اصول در کنار یکدیگر ریشه‌های اساسی آرمان شهر رضوی را پایه گذاری می‌کند.

از جمله اصول اولیّه که امام<sup>(ع)</sup> به آن دعوت کرده اند، بنیان نهادن جامعه براساس تعالیم قرآنی و آموزه‌های نبوی، حرکت در مسیر تحقق آموزه‌های اسلامی در حیطه امور اجتماعی، جاری کردن شریعت الهی و سنت و سیره رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و ائمه<sup>(ع)</sup> برای بنیان گذاری یک آرمان شهر اسلامی است که بدون شک به سعادت بشری رهنمون می‌گرداند. در این مسیر امام<sup>(ع)</sup> به برخی از فضایل اخلاقی دعوت می‌کند و از برخی دیگر برحذر می‌دارد. از جمله فضایل اخلاقی؛ دوری از تکبر و خودبرتر بینی در حیطه برخورد های فردی، ظلم ستیزی و عزت خواهی و تلاش برای رهایی از یوغ استبداد و استثمار در حیطه اجتماع است و از جمله رکن‌های اساسی آرمان شهر رضوی می‌توان به سخاوت، نیکی، کسب روزی حلال، دوری از اسراف، و بخل و حسد و حرص، فروتنی، تقوای الهی داشتن، فریادرسی مظلوم و عزت و آزادگی، وفای به عهد و... اشاره کرد که هر یک به تنهایی دریای از اصول اجتماعی و اخلاقی را در بر دارند.

## منابع و مأخذ:

### الف: منابع فارسی

- اکبری زبیدی، غلامرضا (۱۳۸۲)، امام رضا<sup>(ع)</sup> و قرآن. مشهد: موسسه فرهنگی انتشاراتی الشمس.
- آمین سید محسن (۱۳۸۵)، سیره معصومان. ج ۵، مترجم علی اکبر حجتی کرمانی. قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۷)، صحیفه الرضا<sup>(ع)</sup>، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶). ترجمه مفردات الفاظ قرآن، تهران: نشر سبحان.
- بندریگی، محمد (۱۳۸۹)، ترجمه منجد الطلاب. قم: انتشارات اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، ترجمه و شرح گزیده نهج الفصاحه، قم: نسیم حیات.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صالحی، عبدالله (بی تا). چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا علیه السلام، بی جا.
- غفاری علی اکبر و مستفید حمیدرضا (۱۳۸۵)، ترجمه عیون اخبار الرضا، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

-قرشی، علی اکبر (۱۳۷۳)، **خاندان وحی**، تهران: دارالکتب الاسلامیة.  
-پوشه، ویکتور (بی تا)، **خزان زندگی**، ترجمه کاظم عمادی عراقی، تهران:  
چاپخانه فرهنگ.





## ب: منابع عربی

-القرآن الکریم

-ابن ابی الحدید، ابو حامد عبد الحمید (۱۳۸۷ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربی.

-ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳)، عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup>، قم: رضا مشهدی.

-ابن جبیر، ابو عبد الله حسین بن جبیر (۱۳۷۵ ق)، نخب المناقب لال أبی

طالب، نجف: المطبعة الحیدریّة.

-ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۳)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث

العربی.

-إربلی، علی بن عیسی، (۱۴۰۱ ق)، کشف الغمة فی معرفه الائمه، بیروت:

دار الکتب الاسلامی.

-حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل

الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

-حلوانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ ق)، نزهة الناظر و تنبییه الخاطر، قم:

منشورات دار الحدیث.

-حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۹۰)، نور الثقلین، ترجمه گروهی از فضلی

حوزه تفسیر تحت نظر عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام.

-شریف القرشی، باقر (۱۴۲۵ ق)، اخلاق النبی و اهل بیته، قم: مهر امیر

المومنین.

-القبیعه، راتب احمد، (۱۹۹۷ م)، القاموس العربی الوسیط، بیروت: مؤسسة

جواد.

- القمی ابوالعباس عبدالله بن جعفر، ۸۶۷ق. قرب الاسناد، تهران: مکتبه نینوی  
الحديثه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۹ق)، اصول کافی، ج ۲، بیروت: دار التعارف  
للمطبوعات.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، ج ۷۸، ۷۵، تهران: دارالکتب  
الاسلامیة.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۳۸۲ق)، مستدرک الوسائل، ج ۷، تهران:  
نشر اسلامیه.

#### ج: منابع انگلیسی

- Ansariyan publication-(2009/ 1388). **a brief biography of imam reza A.S.** QUM: ANSARIAN.
- s.s arjmand-(1996). **imam reza(a.s) a summary of imam reza biography.** Masshad: Islamic research foundation of astan quds razavi
- s.s arjmand- (2001). **imam reza(a.s). the eighth imam of the shi ite.** Masshad: Islamic research foundation of astan quds razavi
- department of the Islamic research foundation of astan quds razavi-(1992). **forty hadiths from imam reza(p.b.u.h).**masshad. Publishing by astan quds razavi